



مقالات : دانشگاه تمدن ساز

پدیدآورنده (ها) : خرمشاد، محمد باقر

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات روابط فرهنگی بین الملل :: شهریور ۱۳۹۰ - شماره ۲ (ویژه نامه)

صفحات : از ۱۱ تا ۱۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/853569>

دانلود شده توسط : محسن جوادی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



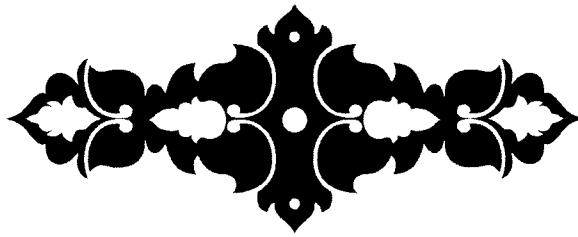
- انقلاب اسلامی انقلاب تمدن ساز دانشگاه ایرانی دانشگاه تمدن ساز
- موانع تجاری سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی در رشته های علوم پایه دانشگاه های تهران
- گذر از بهبودهای تدریجی
- تدوین الگویی برای بالندگی اعضای هیئت علمی با رویکرد مبتنی بر نظریه ی داده بنیاد
- بررسی مشکلات تحقیق در کشورهای پیرامون
- ارزیابی مولفه های دانشگاه کارآفرین: مطالعه موردی دانشگاه های غرب کشور
- راه کارهای برون رفت از موانع فرهنگی تولید علم در دانشگاه ها
- رویکرد تحلیل فضایی در روند توسعه آموزش عالی
- تحول فرهنگی در علم: از علم دانشگاهی تا علم پسادانشگاهی
- مقالات ویژه: دانشگاه و تعریف آن
- بررسی تطبیقی ساختارهای تحقیقاتی در کشورهای مختلف جهان
- علم نافع از منظر قرآن و حدیث

عناوین مشابه

- انقلاب اسلامی انقلاب تمدن ساز دانشگاه ایرانی دانشگاه تمدن ساز
- برنامه دانشگاه تمدن ساز اسلامی - ایرانی در مسیر اجرا
- ویژگی های دانشگاه تمدن ساز
- دانشگاه طراز انقلاب اسلامی؛ دانشگاه تمدن ساز
- مؤلفه های هنجاری رسانه تمدن ساز بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب
- نسبت دانشگاه علوم انتظامی با فرهنگ و تمدن اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری
- فراخوان یازدهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت؛ فرهنگ و تمدن زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارها
- راهبردها و راهکارهای فرهنگی تحقق تمدن زمینه ساز
- تمدن سازی و هنر زمینه ساز، تصمیمی موعودگرا، راهبردی فعال
- عناوین مقالات منتشر شده فصلنامه (علمی - پژوهشی) ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی دانشگاه آزاد اسلامی - پاییز



مقالات



دانشگاه تمدن ساز

محمدباقر خرمشاد

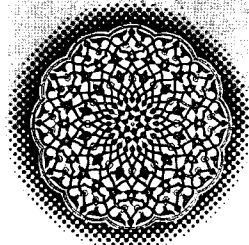
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی



مقدمه

لازمه سخن گفتن از مفهوم «دانشگاه تمدن ساز» یافتن پاسخ درخور به سلسله پرسش‌هایی است که در پرتو آن بتوان به برداشت درست و شفاف از این واژه ترکیبی دست یافت. این پرسش‌ها می‌تواند، شامل موارد زیر باشد: تمدن چیست؟ آیا تمدن به خودی خود ساخته می‌شود یا اینکه آن را می‌سازند؟ آیا ساختن تمدن براساس طرح از پیش تعیین شده‌ای صورت می‌گیرد یا اینکه بدون برنامه قبلی و به تدریج ساخته شده و شکل می‌گیرد؟ به تعبیر دیگر آیا شکل‌گیری تمدن یک پروژه است یا یک پروسه؟ آیا می‌توان از دستگاه‌ها، موسسات، ساختارها و نهادهای تمدن‌ساز سخن گفت؟ در این میان، نسبت و رابطه دانشگاه و تمدن‌سازی چیست؟ یا دانشگاه می‌تواند تمدن‌ساز باشد؟ آیا تمدن‌سازی نیاز به نیروهای پیشرو (Avant-garde) دارد؟ تمدن‌سازی دانشگاه چگونه است؟ سهم دانشگاه از تمدن‌سازی چقدر و چگونه می‌تواند باشد؟ نقش و

ابزارهای دانشگاه در تمدن‌سازی کدام است؟ و... در تعریف تمدن آمده است: «همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود». همان گونه که از تعریف برمی‌آید، مفهوم تمدن ناظر بر زندگی جمعی و اجتماعی انسان‌ها و تعاون و همکاری ایشان در هر چه بهتر ساختن این زندگی جمعی است، ساختن یک زندگی مترقی‌تر و مرفه‌تر. در همین راستا، برخی دیگر تمدن را «گذر از یک زندگی جمعی عادی، معمولی و بسیط به یک شرایط اجتماعی رشد و توسعه یافته در زمینه‌های مختلف اخلاقی، ذهنی، هنری، فنی و...» دانسته‌اند. به این ترتیب، مشخص می‌شود که تمدن از اراده انسان برای هر چه بهتر ساختن زندگی اجتماعی خویش برمی‌خیزد و با اجرایی و عملیاتی شدن این اراده، انسان با دخل و تصرف مثبت و روبه رو رشد در زندگی جمعی خود به ساختن و شکل‌دهی به تمدن مبادرت می‌ورزد. از این رو، ورود آگاهانه انسان به زندگی جمعی خویش و خلق آثار اخلاقی،



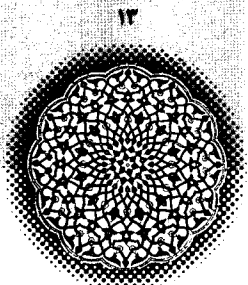
هنری، فنی و... به صورت پیوسته و با هدف ایجاد تغییرات مداوم مثبت و رو به تکامل در این زندگی جمعی به تمدن‌سازی منجر می‌شود. و بالاخره برخی دیگر در تعریف تمدن آورده‌اند: «مجموعه پدیده‌های اجتماعی، نظیر پدیده‌های دینی، اخلاقی، علمی، فنی، زیباشناسی، هنری و... در یک جامعه بزرگ رشد یافته و متمدن». بر همین اساس، گفته شده است که تمدن از «ویژگی‌های مشترک جوامع بزرگ و گسترده و رشد یافته، است. بدین سان روشن می‌شود که نخست مفهوم تمدن با رشد، پیشرفت، ترقی، پیچیدگی، توسعه، رفاه و آسایش عجین شده است و دوم آن که تمدن با خلاقیت‌ها و نوآوری و ابداعات در همه ابعاد زندگی اجتماعی همچون هنر و اخلاق و علم و فناوری و دین و... مرتبط بوده و از آنها به عنوان ابزارهایی برای ساختن خویش بهره می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت که جوهره تمدن آن است که انسان و زندگی جمعی او را این زندگی اجتماعی ساده و طبیعی و بسیط به سوی یک زندگی پیچیده، متصرف شده، رشد یافته، ترقی کرده، توسعه یافته و پیشرفته سوق می‌دهد. یک زندگی اجتماعی ساخته شده و توأم با ابداعات و نوآوری‌ها در همه زمینه‌ها و ابعاد دینی، علمی، اخلاقی، معرفتی، فنی، هنری، زیباشناختی، حقوقی، قضایی، فلسفی، اقتصادی، سیاسی و ادبیات.

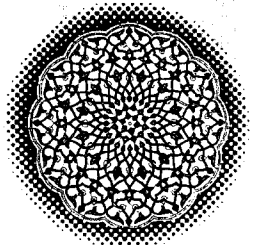
به این ترتیب در تلاش برای ارائه تصویری از تمدن می‌توان گفت که تمدن پدیده‌ای چند ضلعی در زندگی اجتماعی انسان محسوب می‌شود که اضلاع مختلف آن را دین، علم، اخلاق، فلسفه، حقوق، ادبیات، معرفت‌شناسی، زیبایی‌شناسی، معماری، هنر، فن، اقتصاد و سیاست تشکیل می‌دهند. تمدن برآیند همه این موارد در زندگی رو به تحول و تکامل انسان است. تمدن در همه اینها تجلی می‌یابد و این مولفه‌ها همگی سازنده بنای عظیم و حجیم تمدن هستند. از این رو، هنگامی که از یک تمدن مشخص سخن گفته می‌شود، این معنا پیش مفروض گرفته شده است که در تمدن ما با مجموعه‌های همگن، هم‌سنتز، هم‌سنخ و منسجم از اجزاء مختلف سخت‌افزاری و نرم‌افزاری زندگی جمعی انسان روبرو

هستیم. مجموعه‌ای که در آن باور عقیده و علم و اخلاق و دین و هنر و فلسفه و حقوق و ادبیات و اقتصاد و سیاست و... در هم خوانی، همگرایی و تعامل با یکدیگر ساختمان معنایی واحدی را شکل می‌دهند. به همین جهت، شاید بتوان ادعا کرد که نقطه افول یک تمدن نیز از زمانی آغاز می‌شود که خلل و گسستی در این مجموعه به هم پیوسته ایجاد شود و حلقه‌ای از حلقات این زنجیره درهم تنیده ضعیف گشته، میل به واگرایی یافته و از هم بگسلد. از آنچه که در تعریف تمدن آمد، می‌توان استنباط کرد که تمدن هم ساخته می‌شود و هم آن را می‌سازند، به عبارت دیگر شکل‌گیری یک تمدن و سربرآوردن آن هم به فاعل‌های با اراده، هدفمند، زمانی طولانی و روندی تدریجی نیازمند است و به دیگر سخن می‌توان گفت که تمدن و ساخته شدن آن به همان اندازه که می‌تواند یک پروسه محسوب شود. یک پروژه نیز می‌باشد.

برخی عوامل تمدن‌ساز را نه‌گانه دانسته و آنها را چنین برشمرده‌اند: امنیت و آرامش، غرور و همبستگی ملی، فراگیر و توده‌ای شدن اصل، همکاری و تعاون، اخلاق، تحمل، بردباری و صبوری، حفظ وحدت، یکپارچگی، عدم انفکاک و تجزیه طلبی، دین، رفاه نسبی و بالاخره فشار اقتصادی و اجتماعی.

در شرح این عوامل نه‌گانه می‌توان چنین گفت که در بستری از امنیت و آرامش است که با شکل‌گیری نوعی غرور ملی مبتنی بر همبستگی انگیزه لازم برای شکل‌گیری تمدن خلق می‌شود، همانی که ابن خلدون آن را «عصبیت» می‌نامد و به تعبیری روح اصلی تمدن‌سازی محسوب می‌شود. هنگامی که این عصبیت فراگیر شده و باعث شکل‌گیری گسترده تعاون و همکاری در میان کل یک ملت یا امت گردد، ماشین تمدن‌سازی به راه افتاده و با اخلاق صیانت می‌گردد. لازمه ساخته شدن یک تمدن صبر، شکیبایی و بردباری است، که در آن از بوستان افکار و اندیشه‌های مختلف گل‌هایی چیده و متاع‌هایی شایسته برداشت گردد. از دیگران لوازم تمدن‌سازی حفظ وحدت و یکپارچگی است که در سایه آن، تمدن می‌تواند با پشتوانه‌ای قوی به وجوه و ابعاد





البته روشن است که دانشگاه تنها موسسه تاثیرگذار بر تمدن و شکل گیری آن محسوب نمی شود. نهادها و موسسات و دستگاه های دیگر اجتماعی فرهنگی و علمی نیز در شکل گیری و رشد و نمو و تعالی تمدن ها تعیین کننده اند. نهادهایی نظیر دین یا سایر نهادها و ساختارهای تفکر ساز از جمله این ابزارها و لوازم می باشند.

امروزه انقلاب اسلامی ایران در شرایطی قرار گرفته است که چه در قالب یک پروژه و چه در چارچوب یک پروسه چه از نگاهی درون اجتماعی و چه از منظری برون اجتماعی چه به زغم دوستان و چه به اعتراف دشمنان در حال احیای تمدنی کهن و حیات بخشیدن به تمدن نوینی است. احیا تمدن ترکیبی-تلفیقی ایرانی-اسلامی در تبیین انقلاب اسلامی سال های ۵۶-۵۷ یک اجماع تقریبی در میان اندیشمندان و محققین این حوزه مطالعاتی وجود دارد که این انقلاب فرهنگی مبتنی بر فرهنگ و برای فرهنگ بوده است. در نتیجه این انقلاب فرهنگی و سیر تحول روندهای سه دهه حیات آن، فرهنگ اسلامی-ایرانی تجدید حیات جدی می یابد و امروز این همان فرهنگ اسلامی-ایرانی است که پایه های مستحکمی برای تمدن سازی را پی ریخته است. مگر نه این است که فرهنگ پایه گذار و سازنده تمدن است.

آرنولد توین بی معتقد است که: «ضمن بررسی جامعه اسلامی پی می بریم که از پیوستن دو جامعه متمایز عرب و ایرانی تشکیل یافته است.» به عبارت دیگر به همان اندازه که در سخن گفتن از تمدن بزرگ اسلامی نمی توان نقش و تاثیر ایران را نادیده گرفت، سخن گفتن از ایران بدون اسلام نیز امکان پذیر نمی باشد. تاثیر واثار ایران و اسلام یا به قول شهید مطهری خدمات متقابل اسلام و ایران آن قدر زیاد است که محقق و مورخینی چون توین بی برآند آن را در شکل گیری جامعه ای با عنوان جامعه اسلامی خلاصه و جمع بندی کند. جامعه ای جدید که از در هم در آمیختن دو جامعه متمایز عرب و ایرانی خلق می شود. نام گویاتر و بهتری که برای نامیدن این جامعه تلفیقی باصطلاح عربی ایرانی می توان اختیار کرد، همان تمدن اسلامی-ایرانی است که یکی از

گوناگون دست یابد. وجود دینی تمدن ساز نیز از دیگر لوازم خلق یک تمدن است، دینی، که هویت ساز، همبستگی آفرین، محرک و مشوق باشد. رفاه نسبی فرصتی شایسته در اختیار مردمان سرزمین تمدن ساز برای رشد و شکوفایی قرار می دهد و فشارهای اقتصادی و اجتماعی نیازهای جامعه را عیان ساخته و با جهت گیری های پی در پی، حرکت طولانی رو به ترقی را می نمایاند. جریان تمدن سازی برای خروج از این فشارها و حل پی در پی معضلات و مشکلات با سرعت و شتاب ره می پیماید و فرصت ها، موفقیت ها، امیدها و پیروزی های دیگری را به همراه می آورد. این چنین است که تمدنی تولد یافته و ساخته می شود. پس شکل گیری و تاسیس تمدن هم یک پروسه است و هم یک پروژه. اینک با توجه به تعریف دانشگاه است که می توان به نقش و جایگاه آن در پروسه یا پروژه تمدن سازی پی برد. در یکی از گسترده ترین تعریف ها درباره دانشگاه می خوانیم: «مؤسسه علمی بزرگ که شامل چند دانشکده است و در هر یک از دانشکده های آن رشته ای از علوم تدریس می شود» در تعریف دیگر گفته می شود: «مؤسسه ای برای آموزش های عالی و تحصیلات تکمیلی.» به این ترتیب دانشگاه به عنوان یکی از کانون های علم و دانش که وظیفه اش تعمیق و بسط و گسترش آموزش علم و دانش است از مهم ترین مراکز تاثیرگذار در شکل گیری و رشد و نمو هر تمدنی است. امروزه اهمیت دانشگاه در تاثیر گذاری بر تمدن ها تا بدان حد است که می توان به جرات ادعا کرد که بدون دانشگاه، هیچ تمدنی ره به جایی نخواهد برد. دانشگاه های امروزی از ستون های بر پا دارنده تمدن ها به شمار می آیند. دانشگاه به طور مستقیم و غیر مستقیم تاثیرگذار بر هنر، فن، اقتصاد، سیاست، ادبیات، فلسفه، اخلاق، حقوق، دین و بالاخره علم در مفهوم خاص آن است و این یعنی حضور دانشگاه در کلیه اجزا یک تمدن. دانشگاه کانون انباشت علم برای تمدن سازی محسوب می شود و صد البته هر علمی را توان تمدن سازی نخواهد بود. ساخت تمدن را علمی تمدن ساز لازم است. دانش تمدن ساز از ضروریات دانشگاه تمدن ساز و آن نیز از لوازم تمدن سازی است.

ستون‌های آن فرهنگ و تمدن ایرانی بوده است. با ظهور انقلاب مبتنی بر اسلام در ایران سال‌های ۵۶ و ۵۷، بار دیگر ایران در شکل دهی و احیاء «جامعه اسلامی» مورد اشاره توین بی‌یا همان تمدن اسلامی-ایرانی پیش قدم گردید. همچون چهارده قرن قبل، زمینه‌های شکل‌گیری تمدن نوینی پدیده می‌آید که در آن فرهنگ و تمدن ایرانی یکی از پایه‌های اصلی است. ایران انقلاب اسلامی، در عمل به احیاگر اسلام و فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی تبدیل می‌گردد. اگر فرضیه هانتینگتون در «برخورد تمدن‌ها» را درست بیانگاریم، در حوزه تمدن بزرگ اسلامی آیا جز ایران اسلامی، جامعه الگو، الهام بخش و پیش رو دیگری برای این تمدن می‌توان یافت؟ اگر انقلاب اسلامی ایران تنها راهبر برای حوزه تمدن اسلامی امروزین نباشد، یکی از نیروهای تعیین کننده و تأثیرگذار در این حوزه تمدنی بوده است و در احیاء و پیش برد آن در عصر جدید نقشی انکار ناپذیر دارد.

ایران امروز چه به لحاظ داخلی و چه به لحاظ بین المللی در شرایطی قرار گرفته است که چاره‌ای جز تمدن‌سازی ندارد. در دنیای غرب محور مبتنی بر مادی‌گرایی، ایران انقلاب اسلامی با تکیه بر بنیادها و سنن فکری ایران قبل و بعد از اسلام از لزوم دنیایی شرقی که هم مادی و هم معنوی باشد، سخن می‌راند و این یعنی راه جدیدی فراروی بشر مادی‌گرای قرون اخیر قرار می‌دهد. اهمیت این ایده و سخن زمانی دوصد چندان می‌شود که دارای پشتوانه فکری قوی چندین هزار ساله در سرزمین کهن ایران است و همچنین پاسخی امروزین به نیازهای جدی زمانه محسوب می‌شود. از سویی دیگر فشار فزاینده تمدن سلطه‌گر و سلطه طلب غرب بر این تفکر کهن و در عین حال نوپا به عنوان رقیب فرهنگی و تمدنی، ایرانی اسلامی را ناچار به پرداختن عمیق و دقیق به خویش‌تن یعنی بازگشتی فرهنگی و به خصوص تمدنی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران برای مقاومت و سرپا ماندن در برابر غرب انسان محور و ماده‌باور چاره‌ای جز تمدنی‌اندیشیدن و تمدنی عمل کردن ندارد.

ایران امروز در شرایطی قرار گرفته است که از عوامل شش‌گانه مؤثر در ساختمان هر فرهنگ و تمدن یعنی روش‌های معیشتی، شرایط اقلیمی، نژاد، روش‌های سیاسی، تأثیر پذیری یا رخنه تمدن‌های پیروز و نیروی مهبی اقدام، اکثریت قریب به اتفاق آنها را داراست. اگر عامل دین و عامل انسانی ر به این شش مولفه بیافزاییم، آنگاه ایران در شرایط برجسته‌تر و حساس تری قرار می‌گیرد.

امروزه اسلام احیا شده و نخبگان مصمم و روابط اجتماعی مستعد، شرایط تاریخی فوق العاده‌ای را برای احیاء تمدن ایرانی-اسلامی آفرید است. به خصوص اگر این سخن توین بی‌را بپذیریم که «ظهور تمدن، مرهون مشکلات و سختی هاست، نه نتیجه رفاه و آسانی.» ایران امروز به دلیل دشمنی سرسختانه تمدن غالب غرب در یکی از سخت‌ترین شرایط و با دنیایی از مشکلات زنجیره‌ای آفریده شده در برابر خود قرار دارد. ایران خواسته یا ناخواسته وارد عرصه‌ای شده است که یا تمدن می‌سازد و می‌ماند و یا زیر فشار تمدن غالب غرب از پا در می‌آید. ساخت تمدن نوین ایرانی-اسلامی ضرورت ایران امروز است. واژه «دانشگاه تمدن ساز» مفهوم اختیار شده برای ظهور تمام عیار الزامات سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی کشور، به خصوص در عرصه فرهنگ می‌باشد. به عبارت دیگر، اصطلاح دانشگاه تمدن‌ساز ترجمان ایران ۱۴۰۴ در آموزش عالی است که در آن جمهوری اسلامی ایران بایستی الهام بخش برای جهان اسلام بوده و به لحاظ علمی و اقتصادی رتبه اول را در منطقه از آن خود سازد. اگر این هدف دارای الزاماتی در حوزه‌های مختلف کشور می‌باشد، در حوزه علوم، تحقیقات و فن آوری بهره‌مند شدن از دانشگاهی تمدن‌ساز را می‌طلب که بتواند با مشارکت در ساخت تمدن نوین ایرانی-اسلامی هدف سند چشم‌انداز در این حوزه را محقق سازد. «دانشگاه تمدن ساز» هدف غایی و بستر حرکت دانشگاه‌های ایران در بیست سال آینده است.

